

از : استاد مصطفی کمال التاززی
نویسنده نوینی

اسلام دین آدمیت است

مسلمان واقعی کسی است که از هرگونه شائبه های شرک بخداوند متعال مصون ودور باشد .

خداوند متعال دین اسلام را برای تزکیه روح و رها ساختن اندیشه ها از عقاید یهوده و جعلی نازل فرمود و این جهان پهناور را بخاطر اشرف مخلوقات یعنی انسان آفرید، و او را خلیفه خود در زمین دانست (واذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفه) ، (و هو الذی جعلکم خلائف الارض) ، (انا عرضنا الامانة علی السماوات والارض والجبال، فأبین ان یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان، انه کان ظلوماً جهولاً) دین اسلام از انسان میخواهد که در زندگی براساس دستورات روشن و آشکاری مسئولیتهائی بعهده بگیرد .

انسان برای انجام این مسئولیتهای باید آزاد باشد و باین ترتیب در اسلام ، آزادی با مسئولیت ارتباط پیدا کرد . برای خاطر همین ، اسلام انسانرا از تمام مسائلی که انسانیت او را مخدوش و حیثیت و عزت نفس او را لکه دار میسازد ، آزاد کرد .

ابتدا انسان را از پرستش غیر از خداوند آزاد کرد زیرا در تحقق توحید است که عزت نفس متجلی میشود . خداوند متعال فرمود :

(قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین ، لا شریک له، و بذلک امرت و أنا اول المسلمین) دوم اینکه انسان از جمود فکری و تعصب نجات پیدا کرد . خداوند



فرمود : (لا اکراه فی الدین) سوم اینکه هر انسانی در خاک میهنش آزاد است
 فرمود : (ونرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم
 الوارثین) و سرانجام خداوند متعال بانسان اجازه میدهد که آزادانه از جامعه خود انتقاد کند.
 فرمود : (الذین اذ مکناهم فی الارض ، اقاموا الصلاة و آتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا
 عن المنکر و لله عاقبة الامور) اسلام تنها به تضمین آزادی فرد مسلمان اکتفا نمیکند ، بلکه
 در زندگی حقوق دیگری ، از جمله ، حق حیات برای اوقائل است ، زیرا زندگی از لحاظ شرعی
 هدیه خداوند است و احدی حق تجاوز به آن را ندارد ، مگر اینکه حقوق جامعه ایجاب کند
 فرمود : (انانحی و نمیت و نحن الوارثون) لذا در اسلام تجاوز بزنگی یک فرد ، تجاوز تمام
 افراد جامعه تلقی میشود .

(من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض ، فکانما قتل الناس جميعاً) اسلام حق
 آموزش و تعلیم یافتن را را نیز برای بشر تضمین کرده است تا بسطح مسئولیت ارتقا یابد
 و مسائل موجود در شریعت اسلامی را درک و سپس اجرا کند .

پیغمبر اکرم فرمود : (طلب العلم فريضة علی کل مسلم و مسلمة) هر جاهل و نادانی
 موظف است که تمام موارد جهل خود را با دانشمند در میان بگذارد و معلومات خود را
 افزایش دهد . خداوند فرمود : (فاسالوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون) در جامعه ای که اسلام
 طلب میکند ، فقط دانشمند و دانش پژوه وجود دارد ، ولی نادان از چنین جامعه ای مطرود است.
 پیغمبر اکرم فرمود (الناس اثنان ، عالم او متعلم ولاخیر فیمن عداهما) اما قران مجید وجود عقل
 در آدم نادان را نفی میکند (وتلک الامثال تضربها للناس و ما یعقلها الا العالمین) فضیلت دین
 مبین اسلام در این است که باب معرفت و آگاهی را میگشاید و مسلمان را تشویق به فراگیری
 علوم میکند و تبحر در دانشهای جدید و نوآوری در وسایل کشف و آموزش را توصیه مینماید
 و حیثیت آدمی یعنی حفظ ناموس و منزلت و احترام را تضمین میکند . هیچکس از دیگری
 متفرد نمیشود ، و هیچ ملتی بر ملت دیگر چیره نمیکردد .

خداوند فرمود : (ولقد کرمانا بنی آدم و حملنا فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم
 علی کثیر من خلقنا تفضیلاً) اگر ابناء بشر لغت و زبانهای گوناگونی دارند ، بخاطر این است که
 بایکدیگر همکاری و هم فکری کنند نه منازعه و کشمکش ، چه همه آنها در برابر قانون برابرند .
 خداوند فرمود : (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا
 ان اکرمکم عند الله اتقکم) بخاطر همین است که تفاخر و تبعیض بخاطر رنگ چهره و بهره برداری
 انسان از انسان دیگر تحریم شده است .



اسلام مقرر میدارد ، هرانسانی ، باندازه توانائی و تلاش و شایستگی خود از نعمتهای این جهان پهناور سهمی ببرد . خداوند فرمود : (وان لیس للانسان الاماسی)

اعتراف اسلام باین حقوق برای ابناء بشر دلیل بر اینست که انسان باید انسانیت کامل و شخصیت قوی داشته باشد . برنامه های اسلام در زندگی قابل تطبیق است و باسانی اجرا میشود . احکام و قوانین و خصوصیات اسلام را یک گروه یا قبیله و یا یک ملت وضع نکرده است بلکه عدالت الهی چنین احکامی را برای سعادت بشر نازل فرموده است .

از مهمترین خصوصیات اسلام اینست که هیچگونه تمیز و تبعیض میان دو نفر قائل نیست مگر به تقوی. در اسلام تحکم نفی شده است . همه افراد در برابر شریعت اسلامی برابرند . بر همین اساس اسلام اصل مساوات را مقرر میدارد .

زیرا مساوات ارزش معنوی مشترکی دارد و از هرگونه اعتبارات مادی ، فقر و توانگری قدرت و ضعف بدور است . خداوند فرمود : (یاایهاالذین آمنوا کونواقوامین لله شهداء بالقسط والایجرمنکم شأن قوم علی ان لاتعدلوا ، اعدلوا هو اقرب للتقوی واتقوا لله ان الله خبیر بما تعلمون) میفرماید (فاحکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهواء هم عما جاءک من الحق)

بحق باید گفت که مساوات و برابری مقرر شده از جانب اسلام در زندگی پیامبر اسلام (ص) بخوبی متجلی شده است «عروة بن الزبیر» روایت کرد که در زمان پیغمبر اکرم بانوئی چیزی سرقت کرد . قبیلۀ آن زن برای شفاعت نزد «اسامه بن زید» رفتند ، «عروة» روایت کرد : هنگامیکه «اسامه» درباره آن زن با پیغمبر اکرم (ص) سخن گفت ، چهره «حضرت محمد» (ص) رنگ برنگ شد و فرمود : «ای اسامه ! آیا درباره یکی از (حدود) قوانین خداوند بحث و گفتگو میکنی ؟

اسامه گفت : یا رسول الله مرا ببخشای .

شبانگاه پیغمبر اکرم در جمع مسلمانان خطبه خواند و فرمود : «اما بعد ، پدران شما ، اگر مرد شریفی سرقت میکرد رهایش میساختند و اگر فرد ضعیفی مرتکب چنین عملی میشد او را مجازات میکردند . سوگند بان کسی که جان محمد در دست اوست ، اگر «فاطمه بنت محمد» سرقت میکرد ، دست او را قطع میکردم .» هنگامیکه خداوند بحضرت محمد (ص) هشدار داد (وانذر عشیرتک الاقربین) پیغمبر فرمود : «ای گروه قریش اشتر و انفسکم لا اغنی عنکم من الله شیئاً یا عباس بن عبدالمطلب لا اغنی عنک من الله شیئاً و یا صفیه بنت عم رسول الله لا اغنی عنک من الله شیئاً و یا فاطمه بنت محمد سلینی ما شئت من مالی لا اغنی عنک من الله شیئاً .



از خصوصیات دیگر اسلام، شمولیت و کلیت آنست. اسلام تنها یک برداشت عقیدتی و یا یک دین الهی و یا یک نظام اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نیست بلکه برنامه تکامل یافته‌ای است که کلیه جوانب امر را در نظر گرفته است.

رابطه شخص با نفس خود - با خانواده - رابطه با جامعه در اسلام کاملاً تعیین و مشخص است. در اسلام اصول و قواعدی وجود دارد که در هر کدام آنها نظامها و قوانینی که بر جامعه حکومت میکنند تهیه و تدوین میشود.

از خصوصیات دیگر اسلام فطرت است و برای انسان نیازهای روحی و عضوی قائلست. فطرت اسلام در ایجاد توفیق و هماهنگی میان ماده و روح متجلی شده است. خداوند فرمود: (لایكلف الله نفساً الاوسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت.)

باین ترتیب اسلام توانست که از چارچوب تنگ ایده‌نولوژیها فراتر رود. اصول اسلام آنچنان متجلی شد که در زندگی روزمره مردم مشاهده گردید و در تاریخ ثبت شد.

بوجود آمدن جامعه اسلامی در دوران پیامبر اسلام و تداوم آن برای مدت نسبتاً طولانی که البته تاجهان باقیست باز هم بحیات خود ادامه خواهد داد، در واقع قابلیت اجرایی و تطبیقی این جامعه را بطور قاطع به ثبوت میرساند. اسلام میخواهد که عقاید و اصول آن در زندگی مردم نقش رهبری ایفا کند زیرا اسلام دین رهبانیت که پیروانش را به صومعه‌ها رهنمون میشود، نیست بلکه این تحرك - تفاعل و جهاد است.

تاریخ اسلامی در دورانهای مختلف شاهد نمونه‌های ارزنده‌ای از مردمانی است که (صدقو معااهدوا لله علیه، منهم من قضی نخبه و منهم من ینتظر و ما یدلوا تبديلاً)

تاریخ اسلام نمونه‌های فراوانی از مردانی دارد که میان عقیده و عمل و ابتکار و تهذیب اخلاق و میانه روی در فرماندهی و رهبری هماهنگی بوجود آوردند و آثار این تربیت اسلامی در افعال و اعمال و زندگی روزمره آنها مشهود بود.

همه خصوصیات اسلام طی قرن‌ها در زندگی عامه متجلی شد. هیچگونه خصوصیتی میان ماده و روح وجود ندارد. میان دین و سیاست کشمکش و منازعه نیست. دین و دنیا جدائی ناپذیرند.

هنگامیکه اخلاف آنان که نماز را تزیین کرده و تابع شهوت شدند، مفاهیم دین تضعیف گردید و برنامه‌های اسلامی در عقول آنها تباه شد و حمیت مذهبی از میان رفت و عدالت اجتماعی رخت برپست، جهان اسلام مقام رهبری و توجیهی خود را از دست داد.



و ممالک دیگری بوسیله تمدن و پیشرفت علمی و تکنولوژی بر جهان اسلام غلبه کردند .
نمیدانستند که (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا ما بانفسهم)

دین اسلام مسئول عقب افتادگی و ضعف مادی مسلمانان نیست ، زیرا معتقدیم که عقب افتادگی بصور مختلف، نوعی بیماری است که چه ملل مسلمان و چه غیرمسلمان دچار آن میشوند . مسلمانان با محدود کردن مفاهیم اسلام و انحراف از اصول آن دچار این بیماری شدند . احکام اسلام در هر زمان و مکانی قابل اجراء است زیرا با هرگونه تحول و نوگرایی معاشات دارد .

اسلام شریعت و طریقتی است که تمام اصول قانونی لازم برای ایجاد یک جامعه برتر را دارا میباشد .

بنابراین وظیفه ما اینست که مفاهیم صحیح و واقعی اسلام را از نو احیا کنیم و در کلیه شئون زندگی دست بیک رستاخیز بزنیم و روش خود را در برابر تمدنهای موجود در جوامع پیشرفت تعیین کنیم . علل ترقی و پیشرفت موجود در این جوامع را میتوانیم پیدا کنیم و بکار بندیم .

عشق به مباحثات علمی - ماجراجویی بخاطر کشف اسرار طبیعت - آزمون هر چیزی که جدید باشد و بالاخره علاقه مندی به انتظامات از جمله مواردی است که برای ملل مسلمان بسیار مفید است .

از جهت دیگر میتوانیم که تجاوز کاری و فساد اخلاق و جاهلیت شهوانی و الحاد در جوامع یاد شده را تجزیه و تحلیل نمائیم و سپس بخود آنها ارائه دهیم . تا بدین ترتیب اسلام بار دیگر نقش خود را در تحریک عوامل خیر و پیشرفت در اعماق نفس انسان ایفا کند و برای دور ساختن ابناء بشر از غائله های انحراف و شر رقابت شدیدی بعمل آورد .